

+ گوشه

چون دختری نمی شه

گپی با دختری که پسرانه می چرخد

● لیلا جانقربان | موهایش را به قول خودش تیفوسی زده است. شلوار جین گشادی به پا کرده و تیشرتی به تن دارد که عکس یک پسر اسکی باز روی آن است. قرار شده است بدون اینکه قضاوتش کنم یا خواهم نصیحت و سرزنشی از سبک زندگی اش داشته باشم. بیاید و بنشیند و باهم صحبت کنیم. اسمش ملیحه است ولی به همه می گوید ملی صدایش کنند. هفده ساله است و دیپلم ریاضی دارد. این رشته را هم برای این خوانده که معتقد است همه فکر می کنند ریاضی پسرانه است.

● خب از کی تصمیم گرفتی پسرانه زندگی کنی؟

از وقتی که دیدم وقتی دختر باشی، راحت نمی شود توی این جامعه زندگی کرد. اصلا روی پسرها یک حساب دیگری می کنند. از مامان آدم گرفته تا همین سوپر سر کوجه! مامانم هر چه که می شود به پسرش می سپارد. اصلا از رفتارهایش معلوم است که به او اعتماد بیشتری دارد، ولی همیشه نگاهش به من این است که عروس می شوم و می روم و کاری هم از دستم بر نمی آید! هر جا هم که می روم پز پسرش را می دهد. یک بار نشد به من افتخار کند.

● رفتارهای بابا هم همین شکلی است؟

بابام تابعه بودم من را خیلی دوست داشت. ولی بزرگ که شدم دیگر دخترش نبودم. همش محدودیت، همش این کار را نکن و آن کار را نکن. الان هم که به خاطر اینکه این مدلی راه می روم، باهام قهر کرده. می دونید نظر بابام اینه که دختر مال مردم هست؛ مثل مامانم، ولی پسر می ماند و می تواند کوه دماوند را هم برایشان جابه جا کند. بابام همیشه سوئیچ ماشین را به داداشم می دهد، چون معتقد است اگر یک روزی نتواند رانندگی کند، پسرش هست، ولی برای من دو چرخه هم نمی خرد! منم به خاطر همین کارهایی که می کنند لجبازی کردم و پسر شدم. موهایم را که تا کمر بود و بابام خیلی دوست داشت، پسرانه زدم؛ بهش می گن تیفوسی. لباس های پسرانه می خرم و هر جامه مونی هست با همین تیپ می روم. یک دفعه که تار فتم توی مجلس عروسی، خانم ها رفتن و چادر پوشیدن، فکر کردن آقا آمده! کلی کیف کردم که همچین ظاهر فریبنده ای دارم.

● توی جمع دوستانه و رفقا و مدرسه مشکلی نداری؟

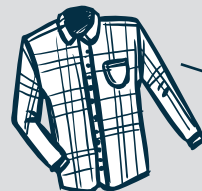
ما یک گروه هستیم که همه تیپ پسرانه می زنیم، برای همین مشکلی نداریم و تنها نیستیم که اذیت بشویم. هر جا هم که قراره برویم باهم می رویم. الان که من مدرسه نمی روم و قرار است بروم دانشگاه، ولی در مدرسه هم خیلی توی چشم بودیم و همه با دست ما را نشان می دادند. این هم خیلی کیف می داد. توی مدرسه مجبور بودیم که لباس فرم بپوشیم، اما مثل پسرها حرکت می زدیم و مثلاً پله ها را جبهشی می رفتیم و از این کارها.

● شنیدم برای دانشگاه رفتن هم مشکل داری؟

مشکل اینه که بابام می گوید باید ریاضی محض بخوانی یا مهندسی یک رشته ای ولی من می خواهم معدن بخوانم. سر همین هنوز به نتیجه نرسیدیم.

● الان تو نه دخترانه زندگی می کنی و نه پسرانه، از این موضوع اذیت نمی شی؟

هیچ وقت به تغییر جنسیت فکر نکردم ولی فکر کنم اگر بروم قبول نکنند چون مسئله خاصی ندارم. پیش یک روان شناس هم که رفته بودم می گفت این مسائل گذرا هستند و یک وقت کار دست خودم ندهم که پشیمان می شوم. حالا فعلا صبر می کنم ببینم تا چند سال دیگر چطور پیش می رود شاید دوباره برگردم به همان روحیه دخترانه و لباس صورتی و کفش پاشنه دار که همه هم از من راضی و خشنود شوند به خصوص مامان و بابا که الان چند وقت است دیگر هیچ جایی با من نمی آیند و هیچ جا هم من را با خودشان نمی برند. البته که روان شناسم گفت اشتباه می کنند و باید من را درک کنند ولی خب فعلا که فقط دوست هام درکم می کنند. شما هم درکم کنید. فعلا دوست دارم مثل پسرها آزاد باشم و هر کاری بکنم و نگویند چون دختری نمی شود!



● تصور زندگی راحت تر با استایل پسرانه

محمد پسری ۲۲ ساله است که سال های آخر دانشگاه را در رشته عمران می گذراند. او می گوید: به نظر من دخترانی که استایل پسرانه دارند، به این علت است که در خانواده پدری اهمیت بیشتری به پسر می دهند و دختر هم مانند برادرش تمایل به استایل پسرانه پیدا کرده است. گاهی اوقات بعضی از دختران فکر می کنند با داشتن استایل پسرانه ارتباط بهتری می توانند برقرار کنند و به هدف خود سریع تر می رسند. متأسفانه بعضی از دختران تحت تأثیر این حرف که جامعه برای پسران است، با داشتن استایل پسرانه سعی می کنند راحت تر در جامعه زندگی کنند چون فکر می کنند پسران در مقایسه با دختران آزادتر هستند. من به عنوان یک پسر، از دخترهایی که استایل پسرانه دارند، حس خوبی دریافت نمی کنم چون در خلقت خداوند، دختر از لحاظ باطنی و ظاهری با پسر متفاوت است، اما به این گونه دختران احترام می گذارم چون این رفتار را ناشی از مسئله و مشکلی می بینم که باید در جامعه و خانواده حل شود.



● صرفاً برای خفن بودن

مهداد پسری شانزده ساله است. او می گوید: به عنوان یک پسر معتقدم اگر یک دختر خانم استایل پسرانه دارد، تنها برای خفن بودن یا جلب توجه این کار را انجام می دهد. در پارک یا کافه، دخترانی را می بینم که لباس های معمولاً مشکلی کوتاه زاپ دار پسرانه می پوشند که اصلاً نمی پسندم و حتی حس خوبی هم از این دختران دریافت نمی کنم. خیلی راحت تر بگویم: اصلاً دوست ندارم با آن ها هم کلام شوم، چه برسد که آن ها را خاص بدانم! به نظرم یک دختر باید دختر بودن خودش را دوست داشته باشد و یا استایل دخترانه در جامعه ظاهر شود، نه اینکه با استایل پسرانه سعی در جلب توجه داشته باشد.



روان شناس هم که رفته بودم می گفت این مسائل گذرا هستند و یک وقت کار دست خودم ندهم که پشیمان می شوم. حالا فعلا صبر می کنم ببینم تا چند سال دیگر چطور پیش می رود شاید دوباره برگردم به همان روحیه دخترانه و لباس صورتی و کفش پاشنه دار که همه هم از من راضی و خشنود شوند به خصوص مامان و بابا که الان چند وقت است دیگر هیچ جایی با من نمی آیند و هیچ جا هم من را با خودشان نمی برند